

جلال‌الدین غیاث‌الدین رامپوری، غیاث اللغات، چاپ منصور نروت، تهران ۱۳۷۵ش؛ سعیدالدین بن احمد فرغانی، مشارق الذراری: شرح تائیه ابن فارض، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، تهران ۱۳۵۷ش؛ ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی، التعرف لمذهب اهل التصوف، دمشق ۱۴۰۷/۱۹۸۶؛ محمد بن یحیی لاهیجی، مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز، چاپ محمد رضا برزگر خالقی و عفت کرمانی، تهران ۱۳۷۱ش؛ اسماعیل بن محمد مستملی، شرح التعرف لمذهب التصوف، چاپ محمد روشن، تهران ۱۳۶۳-۱۳۶۶ش؛ جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی، مثنوی معنوی، تصحیح رسول‌الله نیکلسون، چاپ نصرالله پورجوادی، تهران ۱۳۶۳ش؛ علی بن شهاب‌الدین همدانی، رساله ذکریه، در محمد ریاض، احوال و آثار و اشعار میرستید علی همدانی، اسلام آباد ۱۳۷۰ش.

/ حسن سیدعرب /

تجريد الاعتقاد، کتابی در علم کلام به عربی از

خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲). این کتاب از کتابهای مهمی است که در تبیین عقاید امامیه نگاشته شده و به گفته برخی، اولین آنها به حساب می‌آید (مدرس رضوی، ص ۴۲۳). به عقیده آقابزرگ طهرانی (ج ۳، ص ۳۵۳)، خواجه نصیر در ابتدای این اثر، آن را تحریرالعقاید نامیده، اما بعدها این کتاب به اسامی دیگری همچون تجريد الاعتقاد، تجريد العقائد، و تجريد الکلام اشتباه یافته است (فکرت، ص ۱۰۴؛ مسزوی و دانش‌پژوه، ج ۳، ص ۳۱۵؛ برای نقد نظر آقابزرگ طهرانی به علامه حلی، مقدمه حسن‌زاده آملی، ص ۱۷-۱۸). بعضی احتمال داده‌اند که خواجه عنوان تجريد الاعتقاد را تحت تأثیر کتاب التجريد قاضی عبدالجبار معتزلی برگزیده است (مقدس اردبیلی، مقدمه عابدی، ص ۱۹). کسانی نیز معتقدند که این کتاب از خود خواجه نصیر نیست (برای نمونه به تفتازانی، ج ۵، ص ۲۶۷؛ قس سبزواری، ج ۱، ص ۱۷۴). این کتاب دارای شش «مقصد» (بخش) است که بترتیب عبارت‌اند از: امور عامه، جواهر و اعراض، اثبات صانع و صفات او، نبوت، امامت، معاد. خواجه نصیر این کتاب را بر خوردار از بهترین اسلوب و مشتمل بر دیدگاهها و اعتقاداتی که با برهان برای وی اثبات گردیده، معرفی کرده است (علامه حلی، مقدمه حسن‌زاده آملی، ص ۲۰)؛ به این ترتیب، برخلاف برخی کتابهای او که صرفاً تبیین نظریات عده‌ای از بزرگان است - همچون حل مشکلات الاشارات در شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا و دفاع از آن در مقابل انتقادات فخرالدین رازی و کتاب مصارع المقاصد در دفاع از دیدگاههای ابن‌سینا در مقابل اشکالات شهرستانی - این کتاب حاوی آرای خاص وی است. بعضی معتقدند که خواجه بعد از نقد کتاب المحصل فخررازی، تجريد را تألیف کرد تا افراد برای

السالكين، چاپ محمد حامد قی، بیروت [بی.تا.ا]؛ عبدالله بن علی ابونصر سراج، کتاب التمتع فی التصوف، چاپ ریتولد آلن نیکلسون، لیدن ۱۹۱۴؛ عبدالنسی بن عبدالرسول احمدنکری، جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، بیروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵؛ عبدالله بن محمد انصاری، مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، چاپ محمد سرور مولایی، تهران ۱۳۷۲ش؛ همو، منازل السائرین، متن عربی با مقایسه به متن علل المقامات و صدمیدان، ترجمه درویشان سالارین و علل المقامات و شرح کتاب از روی آثار پیرهرات از روان فرهادی، تهران ۱۳۶۱ش؛ احمد بن علی یهقی، تاج المصاادر، چاپ هادی عالم‌زاده، تهران ۱۳۶۶-۱۳۷۵ش؛ علی بن محمد تکره اصفهانی، تمهید القواعد، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، تهران ۱۳۶۰ش؛ همو، شرح گلشن راز، چاپ کاظم دزفولیان، تهران ۱۳۷۵ش؛ محمد علی بن علی نهانوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، چاپ رفیق العجم و علی دجورج، بیروت ۱۹۹۶؛ عبدالرحمان بن احمد جامی، نقد النصوص فی شرح نقش‌القصص، چاپ ویلیام جیتیک، تهران ۱۳۵۶ش؛ علی بن محمد جرجانی، تعریفات: فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی، ترجمه حسن سیدعرب و سیما نوربخش، تهران ۱۳۷۷ش؛ مؤیدالدین بن محمود جندی، نفحة الروح و نفحة الفتح، چاپ نجیب مایل‌هروی، تهران ۱۳۶۲ش؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت [بی.تا.ا]، چاپ الاست تهران ۱۳۶۸ش؛ شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان، چاپ پرویز ناتل خانلری، تهران ۱۳۶۲ش؛ همان، چاپ محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران ۱۳۶۷ش؛ دهخدا؛ روزبهان بقلی، شرح شطحیات، چاپ هانری کورین، تهران ۱۳۶۰ش؛ همو، کتاب عبهر العاشقین، چاپ هانری کورین و محمد معین، تهران ۱۳۶۰ش؛ احمد بن منصور سمعانی، روح‌الارواح فی شرح الاسماء الملك الفتح، چاپ نجیب مایل‌هروی، تهران ۱۳۶۸ش؛ مجدود بن آدم سنابلی، حلیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، چاپ مدرس رضوی، تهران ۱۳۵۹ش؛ عمر بن محمد سهروردی، کتاب عوارف المعارف، بیروت ۱۹۶۶؛ یحیی بن حبش سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، چاپ هانری کورین، ج ۲: بخش ۱، کتاب حکمة الاشراق، تهران ۱۳۵۵ش؛ محمود بن عبدالکریم شبستری، مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، چاپ صمد موحّد، تهران ۱۳۷۱ش؛ محمد بن محمود شمس‌الدین آملی، رساله فتوئیه از نمایندگان الفنون فی عرایس العیون، در رسائل جوانمردان: مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، چاپ مرتضی صراف، تهران ۱۳۷۰ش؛ محمد بن محمود شهرزوری، شرح حکمة الاشراق، چاپ حسین ضیائی تربتی، تهران ۱۳۷۶ش؛ فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ش؛ عبدالرزاق کاشی، تحفة الاخوان فی خصائص الفیضان، در رسائل جوانمردان: مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، چاپ مرتضی صراف، تهران ۱۳۷۰ش؛ محمود بن علی عزالدین کاشانی، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، چاپ جلال‌الدین همایی، تهران ۱۳۶۷ش؛ محمد بن ابراهیم عطار، تذکرة الاولیاء، چاپ محمد اسماعیلی، تهران ۱۳۴۶ش؛ همو، منطق‌الطیر: مقامات الطیر، چاپ صادق گوهرین، تهران ۱۳۶۵ش؛ محمد بن

تحصيل حق به جای المحصل به آن رجوع کنند (علامه حلی، مقدمه حسن زاده آملی، ص ۴)، زیرا خواجه نصیر در مقدمه تلخیص المحصل گفته است که همتای عالی برای تحصیل حق از طریق تحقیق رویگردان شده و دیگر کتابی قابل اعتماد و مشتمل بر اصول متقن اندیشه وجود ندارد و اینکه کسانی می پندارند کتاب المحصل فخررازی این خلأ را پر کرده، چنین نیست و آن کتاب مشحون از اندیشه های باطل و لذا غیر قابل اعتماد است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۹ ش، ص ۲-۱). از آنجا که خواجه بعد از مواجهه با آرای فخررازی در بحث امامت دریافت که اشکالات وی را در یک اثر فلسفی نمی توان پاسخ داد، به تدوین تجريد الاعتقاد همت گماشت.

تجريد الاعتقاد به جهت رویکرد خاص آن به فلسفه و کلام، نقطه عطفی در تاریخ کلام محسوب می شود. خواجه نصیر در این کتاب میان فلسفه مشائی و کلام شیعی تلفیقی به وجود آورده که سبب نزدیکی هرچه بیشتر فلسفه و کلام در میان متفکران شیعه شده است (مطهری، ج ۲، ص ۶۸؛ احمدی، ص ۲۲۴؛ داوری، ص ۱۱۹). پس از خواجه کسانی مانند قاضی عبداللین ایجی (متوفی ۷۵۶) در کتاب المواقف و تفتازانی (متوفی ۷۹۲) در کتاب المقاصد در این جهت از او پیروی کرده اند. برخی مباحث این کتاب به گونه ای است که مبنای بودن آن را برای جریانات فکری مهمی همچون حکمت متعالیه موجه می سازد (مثلاً - نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷، ص ۷۳-۲۲). آنچه خواجه در تجريد الاعتقاد آورده است مطابق با اعتقادات شیعی امامی است؛ اگرچه وی در بعضی کتابهای خود همچون تلخیص المحصل (ص ۴۲۱) برخی اعتقادات امامیه، از جمله بداء، را به نوعی انکار کرده است و از این جهت بزرگانی چون صدرالدین شیرازی (ص ۳۷۸) و علامه مجلسی (ج ۴، ص ۱۲۳) از او انتقاد کرده اند.

میزان اهتمام خواجه به بحث امامت با تمایلات شیعی در عناوینی چون اثبات امامت حضرت علی علیه السلام و بیان مطاعن خلفای نخستین و عدم صلاحیت ایشان برای خلافت رسول خدا و ادله قطعی افضل بودن امام علی علیه السلام و نص بر امامت ائمه اثنا عشر علیهم السلام و حکم محاربان آنها (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷، ص ۳۶۷-۳۹۸) به حدی است که عده ای از اندیشمندان غیرشیعه در نقد این بخش از مباحث او سخت بر خواجه تاخته و جانب انصاف را چندان نگه نداشته اند (حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۳۴۶). به این ترتیب، این سخن که تجريد خواجه متأثر از اصول اعتقادی فرقه هایی غیر از شیعه امامی است (د. اسلام، چاپ دوم، ذیل «طوسی، نصیرالدین، ۱۲)، معتبر نیست. همچنین در افکار فلسفی نباید خواجه را تابع محض ابن سینا دانست، زیرا آرای او در کتاب تجريد در موارد

متعددی با آرای ابن سینا سازگار نیست، از جمله آنکه وی مکان را بُعد می داند نه سطح (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۲)، به حدوث عالم اجسام معتقد است نه قدم آن (همان، ص ۱۷۰)، ادله اثبات وجود عقل مفارق را ناکافی و قابل ایراد می داند (همان، ص ۱۷۶) و معتقد است که ماده المواد، جسم مطلق است نه هیولا، و برهان اثبات هیولا قابل نقد است (همان، ص ۱۵۰). همچنین خواجه در مباحث توبه و وجوب اسقاط عقاب به واسطه آن نیز با بسیاری از متکلمان معتزلی مخالفت کرده است (همان، ص ۴۲۲-۴۲۴).

ویژگی دیگر این کتاب اختصار فوق العاده آن است. خواجه نصیر در بسیاری از کتابهای خود، از جمله قواعد العقائد و اوصاف الاشراف و حتی شرح الاشارات و اساس الاقتباس، بنا را بر اختصار گذاشته بوده، ولی این خصوصیت در تجريد به حدی است که شمس الدین محمود اصفهانی آن را از «الغاز» (چیستانها) به حساب آورده است (قوشچی، ص ۳؛ حاجی خلیفه، همانجا). در این کتاب، برخلاف دیگر کتابهای کلامی پیش از آن، مبحث معاد بعد از مبحث نبوت آمده است. پیش از خواجه بحث معاد - به سبب ارتباط بحث وعد و وعید و ثواب و عقاب با صفات حق تعالی و بویژه بحث عدل خداوند - قبل از نبوت و امامت طرح می گردید، اما در تجريد مباحث نبوت و امامت ارتباط نزدیکی با مباحث عدل الهی پیدا نکرده و توجه خواجه در آنها برخلاف پیشینیانش، بیشتر معطوف به لطف الهی است (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷، ص ۳۴۸، ۳۴۲). به هر حال، این ابتکار خواجه در تنظیم مباحث کلامی امامیه در ساختار کتابهای کلامی بعد از او تأثیر فراوان نهاد. خواجه مدتها بعد از تدوین مباحث کلامی در تجريد مباحث منطق را نیز به اختصار تدوین کرد که به تجريد المنطق شهرت یافت و بزرگانی چون علامه حلی (متوفی ۷۲۶) آن را شرح کرده اند.

تجريد الاعتقاد از ارزشمندترین و محکمترین و در عین حال مختصرترین متون کلامی شیعی به شمار می آید و به سبب همین ویژگیها از زمان تألیف شهرت یافته و دانشمندان فرقه های مختلف اسلامی شروح و حواشی متعددی به فارسی و عربی بر آن نگاشته اند (کتوری، ص ۹۷). قضاوهای شارحان درباره این کتاب نشان می دهد که خواجه در اقدام خود کاملاً موفق بوده است (برای نمونه - قوشچی، ص ۲). ظاهراً اولین شرح تجريد را معروفترین شاگرد خواجه، علامه حلی، تدوین کرد، این شرح، کشف المراد فی شرح تجريد الاعتقاد نام دارد و برخی معتقدند که اگر علامه آن را نمی نوشت، شاید مقصود دقیق خواجه از مباحث این اثر هیچگاه روشن نمی شد (آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۳۵۳؛ علامه حلی، مقدمه حسن زاده

تجربید الاعتقاد برای اولین بار همراه با شرح علامه حلی در ۱۳۱۱ چاپ شد (ون‌دایک، ص ۱۹۷) از این کتاب چاپهای مختلفی موجود است که از میان چاپهای منقح آن می‌توان به تصحیح محمدجواد حسینی جلالی که در ۱۴۰۷ در قم منتشر شد اشاره کرد. از میان چاپهای مختلف کشف‌المراد نیز می‌توان چاپ حسن حسن‌زاده آملی را که در همان سال در قم، به چاپ رسید ذکر نمود. این کتاب به قلم ابوالحسن شعرانی به فارسی ترجمه و شرح شده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ احمد احمدی، «احمالی از سیر فلسفه اسلامی بعد از ابن‌رشد»، در فلسفه در ایران: مجموعه مقالات فلسفی، تهران: حکمت، [۱۳۵۸ ش]؛ عبدالله انوار، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، تهران ۱۳۵۸-۱۳۴۳ ش؛ مسعود بن عمر نقاشانی، شرح المقاصد، چاپ عبدالرحمان عمیره، قاهره ۱۳۸۹/۱۴۰۹، چاپ افست قم ۱۳۷۰-۱۳۷۱ ش؛ حاجی خلیفه؛ احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله‌العظمی نجفی مرعشی مدظله‌العالی، قم ۱۳۵۴-۱۳۷۴ ش؛ رضا داوری، «پیدایش و بسط علم کلام»، در فلسفه در ایران: مجموعه مقالات فلسفی؛ هادی بن مهدی سبزواری، اسرارالحکم، چاپ ح.م. فرزاد، تهران ۱۳۶۱ ش؛ محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، شرح اصول الکافی، چاپ سنگی تهران ۱۳۹۱؛ حسن بن یوسف علامه حلی، کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ حسن حسن‌زاده آملی، قم ۱۴۰۷؛ محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، تهران ۱۳۵۵-۱۳۶۱ ش؛ محمد آصف فکرت، فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۹ ش؛ علی بن محمد قوشچی، شرح تجرید‌العقائد، چاپ سنگی تهران ۱۳۸۵؛ اعجاز حسین بن محمدقلی کنتوری، کشف‌الحجب و الأستار عن اسماء الكتب و الأسفار، قم ۱۴۰۹؛ مجلسی؛ محمدتقی مدرس رضوی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، تهران ۱۳۵۴ ش؛ مرتضی مطهری، آشنائی با علوم اسلامی، ج ۲، تهران ۱۳۶۹ ش؛ احمد بن محمد مقدس اردبیلی، الحاشیه علی الهیات الشرح الجدید للتجريد، چاپ احمد عابدی، قم ۱۳۷۵ ش؛ علی بن منزوی و محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۳، تهران ۱۳۴۰ ش، ج ۴، تهران ۱۳۴۶ ش؛ نسخه‌های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۵، زیرنظر محمدتقی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۴۶ ش؛ محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، تجربید الاعتقاد، ضمن کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تألیف علامه حلی، چاپ حسن حسن‌زاده آملی، قم ۱۴۰۷؛ همو، تلخیص المحصل، چاپ عبدالله نورانی، تهران ۱۳۵۹ ش؛ ادوارد ون‌دایک، کتاب اکتفاء القنوع بما هو مطبوع، چاپ محمدعلی بیلازی، مصر ۱۳۱۳/۱۸۹۶، چاپ افست قم ۱۴۰۹؛

EP, "Al - Tūsī, Naṣīr Al-Dīn. 2: As theologian and philosopher" (by H. Daiber).

/ رضا محمدزاده /

آملی، ص ۳). آقابزرگ طهرانی (ج ۳، ص ۳۵۴-۳۵۲، ج ۶، ص ۷۰-۶۴) و حاجی خلیفه (ج ۱، ستون ۳۴۶-۳۵۱) و دیگران (مثلاً: انوار، ج ۷، ص ۳۵۷، ج ۸، ص ۳۶۰-۳۶۱، ج ۹، ص ۳۰۸، ج ۱۰، ص ۲۹۰-۲۹۱، ۲۹۷-۲۹۸؛ فاضل، ج ۲، ص ۵۷۱، ۵۶۱-۵۶۸، ج ۳، ص ۷۷۴، ۷۶۷، ۸۰۷-۸۰۸، ۸۱۵، ۸۶۴-۸۶۶، ۸۷۲، ۸۹۵؛ نسخه‌های خطی، ج ۵، ص ۳، ۲۲، ۳۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۹۹، ۵۹۴-۵۹۵؛ منزوی و دانش‌پژوه، ج ۴، ص ۱۷۵-۱۸۵) شمار زیادی از شروح و تعلیقات و حواشی تجربید را معرفی کرده‌اند. در برخی از این شروح و حواشی به بررسی نقادانه نظریات خواجه پرداخته شده است. از جمله معروفترین و قدیمترین شروح این اثر عبارت‌اند از: تعرید الاعتماد فی شرح تجرید الاعتقاد، اثر شیخ شمس‌الدین محمد اسفرائینی بیهقی (متوفی ۷۴۶)؛ تسدید یا تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید، معروف به شرح قدیم، اثر شمس‌الدین محمود بن عبدالرحمان بن احمد عامی اصفهانی (این شرح در مقایسه با شرح فاضل قوشچی، «قدیم» نامیده شده، نه به سبب قدیمترین بودن آن، همچنانکه خود شارح در ابتدا به شرح علامه حلی و اسفرائینی بیهقی اشاره کرده است)؛ شرح فاضل قوشچی (متوفی ۸۷۹) که به شرح جدید شهرت یافته است. از جمله شروح متأخر، شرح ملا عبدالرزاق بن علی بن حسین لامیجی منخلص به فیاض (متوفی ۱۰۵۱) است که به لحاظ دقت و تفصیل و تطبیق آراء، دارای ویژگیهایی است. شرح قدیم و شرح جدید تجربید دارای حواشی و تعلیقات مهمی است، از جمله: حاشیه محقق جرجانی (متوفی ۸۱۶) بر شرح قدیم، به نام حاشیه تجربید (حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۳۴۷)؛ حاشیه قدیم و حاشیه جدید و حاشیه اجد، هر سه از جلال‌الدین محمد دوانی (متوفی ۹۰۸؛ فاضل، ج ۲، ص ۵۷۱؛ نسخه‌های خطی، ج ۵، ص ۵۹۴) و دو حاشیه از صدرالدین محمد دشتکی شیرازی (متوفی ۹۴۸؛ حسینی، ج ۳، ص ۲۳۸-۲۳۹). مجموع سه حاشیه دوانی و دو حاشیه صدرالدین - که ایرادات و اعتراضات این دو تن نسبت به حواشی یکدیگر بر شرح جدید است - به طبقات الجلالیه و الصدریه معروف شده است. جالب توجه است که پس از مرگ صدرالدین، فرزند او میرغیاث‌الدین منصور حسینی‌دشتکی (متوفی ۹۴۹) به جای پدر، جواب آخرین اشکالات دوانی را در حاشیه دیگری بر شرح تجربید تدوین کرد (حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۳۵۰). این حاشیه‌ها که بر شرح جدید نوشته شده‌اند، اهمیت بسیاری دارند و مورد توجه اندیشمندان مختلف شیعه و سنی قرار گرفته و سبب مناقشات کلامی و حتی فلسفی فراوانی گردیده‌اند. همچنین نقدها و شروح فراوانی بر آنها نوشته شده است (ع آقابزرگ طهرانی، ج ۶، ص ۶۴-۷۱).